

آينه شهرزاد

شتری که در خانه همه می خوابد

● مسئله این است که چرا عده‌ای بیه خود حق می‌دهند که به‌صورت سازمان‌یافته افرادی را استخدام کنند و به تهدید دیگران مشغول شوند. هنگامی که عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری که منصوب مقام معظم رهبری هستند را بتوان تهدید و حتی به آنان توهین کرد، دیگر جایی برای ساینر باقی نمی‌ماند. هنگامی که عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری کشور تحت‌فشار تهدیدات گروهی اندک و سازمان‌یافته قرار گیرد، چگونه می‌توان اطمینان یافت که این مرجع تصمیم‌گیری، می‌تواند به دقت مصلحت کشور را تشخیص دهد؟ مسئله هنگامی مهم‌تر می‌شود که هیچ اقدام عملی برای شناسایی و برخورد با آنان صورت نگرفته است. این درحالی است که شناسایی آنان برای دستگاه‌های امنیتی و پلیسی به سادگی تمام است، پس چرا کسی درباره این اقدام حقوقی نمی‌کند؟ اگر فرض کنیم که به احتمال ضعیف این لوابج در مجمع تصویب نشود، چه کسی باور خواهد کرد که تحت‌فشار این تهدیدات نبوده است؟ چرا باید مصلحت و سرنوشت و مردم و یک کشور را گروگان اقدامات مجرمانه عده‌ای اندک کرد؟ پیشنهاد مشخص این است که مسئولان اطلاعاتی و قضائی هرچه سریع‌تر با این پدیده برخورد کنند و عوامل پشت پرده آن را شناسایی و به مردم معرفی و سپس به اتهام آنان رسیدگی کنند. بدون برخورد ریشه‌ای این شتری است که دیر یا زود در خانه خیل‌ها خواهد خوابید.

آقاب

پول پاشی بن سلمان در منطقه

● **فریدون مجلسی، دیپلمات سابق؛** عربستان افراد جنگی ندارد، بنابراین تسلیحاتی که می‌خرد هم بیشتر بر عهده پاکستانی‌هاست. دو میلیون پاکستانی در عربستان کار می‌کنند و مطمئناً در این کشور مدارس ایران سستیزی هم وجود دارد. یکی دیگر از دلایل این سفر این است که پاکستان امیدوار است با کمک عربستان و چین بندر بزرگ تجاری بیه عنوان پایگاه برای ارتباط با آسیای مرکزی داشته باشد. از سویی عربستان به هند می‌رود چون هند مشتری بزرگ نفت عربستان است و متقابلاً هند انتظار دارد مشارکتی در توسعه صنعتی عربستان داشته باشد. به هروصورت بن سلمان می‌خواهد در مقابل انزوای ایران، در عرصه بین‌المللی خود را با پول‌پاشی‌ها در کشورهای مختلف فعال نشان دهد و یک مبارزه بین‌المللی را شکل دهد. اما این اقدامات و پول‌پاشی‌ها طول زیادی نخواهد داشت، مگر عربستان تا چه زمان می‌تواند به هر گوشه پول بدهد و آنها را فریب دهد. ظرفیت بازار ۳۰ میلیونی عربستان که میلیون‌ها نفر آن خارجی هستند، مگر چقدر است که بتواند پاسخ‌گوی همه خواست‌های کشورهای گوناگون باشد.

معیشت مردم در تنگنای دعوای سیاسی

● **جعفر کلابسی، روزنامه‌نگار؛** آنها که در به‌وجود آمدن وضع کنونی سهم بسزایی دارند چنان وانمود می‌کنند که گویی همه مشکلات فعلی ناشی از ضعف مدیریت‌هاست و به‌سادگی می‌توان اثرات مخرب تحریم‌ها را بدون کوچک‌ترین انعطافی خشتی کرد. آنان تغافل می‌فرمایند که دولت مورد حمایت‌شان با بیشترین درآمد نفتی در تاریخ ایران و با برخورداری از پشتیبانی‌های همه‌جانبه از سوی همه ارکان نظام نه‌تنها زیرساخت‌های کشور را تقویت نکرد که با سیاست‌های غلط خود یکی از بالاترین تورم‌های سال‌های پس از انقلاب را رقم زد. دولتی که با بی‌اعتنایی محض نسبت به نظرات کارشناسان خصوصاً در روابط بین‌الملل راه تحریم‌های همه‌جانبه را گشود و هنوز که هنوز است هزینه آن بی‌تدبیری‌ها در حال پرداخت شدن است. مخالفان دولت با انتقادهای همه‌جانبه و بعضاً تضعیف‌های عملی که نسبت به قوه مجریه می‌کنند در حال اثبات چه چیزی هستند؟ آیا تصور کرده‌اند که ناامیدی مردم از دولت منجر به اقبال مردم از ایشان می‌شود؟ آیا بستن دستان دولت در حوزه‌های مالی و ایجاد زمینه محدودیت‌های بیشتر راه و رسم تندی در روابط خارجی به ابواب می‌رسد؟ واضح است که مردم نسبت به اوضاع کلی سیاسی کشور آگاهی لازم را دارند و خوب دریافته‌اند که تشنج‌زدایی در روابط خارجی یکی از راه‌های تعادل و ثبات اقتصادی و کم‌کردن مشکلات کنونی است. همان‌طور که به‌برجام در ابتدای کار و در عمل این مهم را به اثبات رساند و بر همین اساس اکثریت رای‌دهندگان کشور دوباره بر ادامه همین راه تأکید کردند.

کیم‌تان

سررسید این بدهی نزدیک است!

● **سعدالله زارعی؛** براساس موضعی که مقامات وزارت خارجه دو کشور عربستان و امارات در ورشو داشتند و به‌طور معناداری از اقدامات ضدایرانی حرف زدند و در واقع با داعیه‌های ضدایرانی آمریکا همراه شدند، می‌توان گفت این دو کشور نیز در اقدام ترویرستی‌رور چهارشنبه شام مسئولیت دارند و بر این اساس ایران نمی‌تواند چنین رویکردی را در این دو کشور پذیرد و یا پاسخی به آنها ندهد. هرچند در این ماجرا به ترتیب آمریکا، پاکستان، عربستان و امارات مسئولیت دارند، درعین‌حال شواهد و قرائن نشان می‌دهد این دو کشور در خط‌دهی سرویس امنیتی پاکستان از یک‌سو و تأمین مالی و تسلیحاتی ترویرست‌ها از سوی دیگر نقش اساسی داشته‌اند.

● **مسئله این است که چرا عده‌ای بیه خود حق**

می‌دهند که به‌صورت سازمان‌یافته افرادی را استخدام کنند و به تهدید دیگران مشغول شوند. هنگامی که عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری که منصوب مقام معظم رهبری هستند را بتوان تهدید و حتی به آنان توهین کرد، دیگر جایی برای ساینر باقی نمی‌ماند. هنگامی که عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری کشور تحت‌فشار تهدیدات گروهی اندک و سازمان‌یافته قرار گیرد، چگونه می‌توان اطمینان یافت که این مرجع تصمیم‌گیری، می‌تواند به دقت مصلحت کشور را تشخیص دهد؟ مسئله هنگامی مهم‌تر می‌شود که هیچ اقدام عملی برای شناسایی و برخورد با آنان صورت نگرفته است. این درحالی است که شناسایی آنان برای دستگاه‌های امنیتی و پلیسی به سادگی تمام است، پس چرا کسی درباره این اقدام حقوقی نمی‌کند؟ اگر فرض کنیم که به احتمال ضعیف این لوابج در مجمع تصویب نشود، چه کسی باور خواهد کرد که تحت‌فشار این تهدیدات نبوده است؟ چرا باید مصلحت و سرنوشت و مردم و یک کشور را گروگان اقدامات مجرمانه عده‌ای اندک کرد؟ پیشنهاد مشخص این است که مسئولان اطلاعاتی و قضائی هرچه سریع‌تر با این پدیده برخورد کنند و عوامل پشت پرده آن را شناسایی و به مردم معرفی و سپس به اتهام آنان رسیدگی کنند. بدون برخورد ریشه‌ای این شتری است که دیر یا زود در خانه خیل‌ها خواهد خوابید.

● **به‌نظر می‌رسد همکاری با شرکت‌های کوچکی که کورسوی امید به آنها باقی مانده بود، با برگشتن شما عقیم ماند. پروژه‌هایی که در حال پیگیری بودید، رها شده است؟**

ارتباطی که من شروع کرده بودم با شرکت‌های بزرگ بود. از آن جمله برخی از پروژه‌های نفتی در بخش بالادستی وجود داشت. زمانی که در ژاپن سفیر بودم، موفق شده بودم حوزه نفتی آزادگان را به ژاپن واگذار کنم. در آلمان هم قرار بود بخش بالادستی دو پروژه نفتی با آنها به توافق برسیم که البته مذاکرات تقریباً تمام شده بود، ولی متأسفانه عقیم ماند.

● **به‌دلیل خروج آمریکا از برجام؟**

بله. پروژه تولید دو نوع فولکس‌واگن در ایران نیز عقیم ماند. البته از شروع دوره ترامپ حرکت‌هایی که آغاز شده بود کند شد، اما با خروج از برجام عملاً متوقف شد. تالشم این بود که این پروژه‌ها را به صورت تعلیقی نگه دارم و منتفی نشود. متعدهم حتماً باید به سفیر بعدی کمک کرد. مذاکرات برای طرف مقابل ما هم هزینه داشته است، چراکه حداقل در حوزه نفت مذاکرات طولانی و زمان‌بر است. شاید مذاکرات در این حوزه به‌طور معمول یکی، دو سال طول بکشد. بنابراین هر دو طرف وقت می‌گذارند. آلمانی‌ها به حضور در ایران باور نداشته‌اند، به‌ویژه اینکه مذاکرات تقریباً تمام شده بود، بنابراین این پروژه‌ها را باید در حال تعلیق نگه داشت و امیدوارم این دوره تعلیق طولانی نباشد.

● **یعنی بهتر است سفیر بعدی این پروژه‌ها را تا پایان دوره ترامپ در حالت تعلیق نگه دارد؟**

قطعاً باید چنین کاری را انجام دهد. ارتباط با شرکت‌های بزرگ ایجاد شده و حتماً باید ادامه داشته باشد و آنها را تشویق کنیم تا حرکتی که آغاز شده در فرصت مناسبی که وضعیت تغییر پیدا کرد احیا شود.

● **آلمان‌ها معتقدند دولت بعدی در آمریکا دولتی دموکرات خواهد بود یا اینکه ترامپ رویکردش را تغییر می‌دهد؟**

به‌صراحت می‌گویم اروپایی‌ها این اواقعبت را پذیرفته‌اند که ترامپ رئیس‌جمهور است و قدرت دارد و اینکه قدرت در آمریکا چقدر در دست او یا ترکیب دولت و کنگره است. تلاش دارند با کنگره بیشتر در تماس باشند، بنابراین سعی می‌کنند در کوتاه‌مدت و میان‌مدت این موضوع را مدیریت کنند تا با توجه به منافع ملی‌شان این دوره دو یا شش‌ساله را پشت‌سر بگذارند.

● **ماجرای بازنشتگی شما و دو سفیر دیگر یک سوبیه داخلی هم دارد. در فاصله کوتاهی که قانون بازنشتگی در مجلس با همه حاشیه‌هایش تصویب شد، شاهد بودیم نه‌ادی مثل وزارت بهداشت برای ابقای برخی معاونان وزارت‌نشاس‌اش، از رهبری، مجوز گرفتند. آیا بهتر نبود وزارت خارجه با آقای روحانی در مورد سفر یا شخص شما استثنا قائل می‌شدند؟** از آنجایی که انتخاب سفیر و گرفتن تأیید از دولت میزان (اگرمان) زمان‌بر است، می‌توانست این اتفاق رخ دهد. البته شخصاً اعتقاد دارم که کشور باید به‌سمت جوان‌گرایی برود، بنابراین با اصل این قانون نه‌تنها مشکلی ندارم، بلکه معتقدم اصل قانون خوب بود، فقط شاید زمان‌بندی آن خیلی مناسب نبود. بهتر بود برای برخی از مشاغل زمان بیشتری در نظر گرفته می‌شد. حداقل برای سفرها تا انتخاب سفیر جدید و تأیید دولت پذیرنده، فرصت داده می‌شد. خوشبختانه تعداد سفرای بازنشت‌ه محدود بود، اما اینکه ترکیه، آلمان و سازمان ملل به سفیر جدید اگرمان اجازه دادند، بنابراین بهتر بود حداقل نماینده دولت در موقع تصویب قانون این قضیه را به نمایندگان توضیح بدهد که وضعیت مشاغل در نظر گرفته شود و برای مثال زمان بازنشت سفیر طولانی‌تر باشد تا جابه‌جایی به صورت طبیعی انجام شود. من وقتی جانشین آقای شیخ‌عطار شدم، بعد از یک هفته از ترک او در آلمان مشغول به کار شدم.

● **به نظر می‌رسد غیر از آقای عبیدی‌نژاد که سفیر ایران در انگلیس هستند، دو کشور مهم اروپایی؛ آلمان و فرانسه، تقریباً رها شده‌اند.** قاعدتاً نباید اجازه دهیم فاصله دو سفیر طولانی شود. باید سعی کنیم در کشورهای مهمی مثل فرانسه، چین، روسیه و آلمان، فاصله استقرار دو سفیر به حداقل زمان برسد.

● **در چهارسالی که سفیر بودید، پروژه‌هایی را پیگیری می‌کردید که بیشتر با وزارت نفت در ارتباط بود. به نظر می‌رسد با آقای زنگنه هم به‌اندازه آقای ظریف در ارتباط بودید. آیا این‌تیم مذاکره‌کننده‌ای در کنار شما داشتند؟** آقای زنگنه به من لطف دارند. نه‌تنها با ایشان در

دیپلماسی

علی ماجدی، سفیر بازگشته ایران از آلمان؛

بسیاری از پروژه‌هایم عقیم ماند

تادولت بعدی آمریکا باید طرح‌های مشترک را معلق نگه داشت



علی ماجدی، سفیر سابق ایران در آلمان.

زینب اسماعیلی

علی ماجدی یکی از سه سفیر ایران بود که به بهانه اجرای قانون بازنشتگی، مأموریت چهارساله‌اش به‌عنوان سفیر در آلمان پایان یافت و به تهران بازگشت. او از معدود سفرایی بود که از سال‌های انقلاب و دولت میرحسین موسوی در سمت‌های اقتصادی و دیپلماتیک مشغول به کار بوده؛ مدتی کاردار در سفارت ایران در ابوظبی بوده و پس از آن سفارت در برزیل و ژاپن را تجربه کرده است. در همه چهار دهه‌ای که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، علی ماجدی بین دستگاه دیپلماسی، وزارت نفت و وزارت اقتصاد همکاری کرده است؛ همین تجربه موجب شده دوران سفارت او نیز با تلاش برای توسعه همکاری در حوزه‌های انرژی همراه باشد. بدون شک ماجدی در آلمان جزء معدود سفرای موفق ایران بود، اما اجرای قانون بازنشتگی، تلاش نکردن جواد ظریف برای گرفتن استثنا برای این سفیر و دو نفر دیگر موجب شد او آذر به کشور بازگردد. آزادبیودن و دوستدار ایران بودن را در تک‌تک جمله‌هایش می‌توان دید. دیپلماتی نیست که برای خوشایند کسی حرفی بزند و برای ناخوشی کسی از حرفش بکاهد؛ حتی اگر به ضررش تمام شود. او می‌گوید برای اعتمادسازی با اروپا، باید بیش از این کار کرد و نقش عناصر مغرب را کوشزد می‌کند. این دیپلمات ایرانی اگرچه به واسطه اجرای قانون بازنشتگی به خانه فرستاده شده، اما برای کمک به بهبود اوضاع کشور از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کند.

و در مواردی که لازم باشد، حتماً با ریاست‌جمهوری

و نخست‌وزیر آن کشور هماهنگ می‌شود؛ اما در ایران ممکن است گاهی ناخودگاه این فرایند خدشه‌دار شود. این اتفاق نیز به خاطر برخی پیش‌ها و نگرش‌هاست و موضوعی است که جای کار دارد. وقتی یک اقدام و عمل در بخشی از کشور رخ می‌دهد، آثار و نتایج آن برای دستگاهی که درگیر سیاست خارجی نیست، شاید کم‌ارزش یا ناشناخته باشد. دستگاهی که تشخیص می‌دهد چنین حرکتی ممکن است واقعاً منافع ملی را در بخش روابط خارجی در کوتاه‌مدت یا بلندمدت متأثر کند، دستگاهی است که عملاً نماینده رسمی کشور و به‌عنوان سفیر در کشورها حضور دارد و تأثیر رویدادها را مانیتر می‌کند. با صراحت می‌گویم کشورهای اروپایی تلاش‌ها نسبتاً عمیقی از ایران دارند. ایران کشور مهمی است و تردیدی نباید داشت که ایران یکی از قدرت‌های اصلی خاورمیانه است؛ بنابراین کشورهای مهم سعی می‌کنند ایران و سازوکارهای قدرت در ایران و رقابت‌های جناح‌ها را بشناسند. بقیه کشورها هم همین کار را می‌کنند. مثلاً اگر در آلمان بخواهیم قدرت را بشناسیم، باید کاملاً با احزاب آن آشنا شویم؛ همچنین با قدرت صدراعظم یا پارلمان، نهادهای امنیتی و نحوه ارتباطات و تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر آشنا شویم. در ایران چون متأسفانه هنوز احزاب جا نیفتاده‌اند، اروپایی‌ها سعی می‌کنند بازیگران تأثیرگذار سیاست را بشناسند. من نه می‌توانم و نه باید برخی از حرف‌های اروپایی‌ها را دراین‌باره بازگو کنم؛ اما گاهی تعجب می‌کردم که چگونه آنها درباره برخی سیاست‌گذاری‌ها و نحوه قدرت ما شناخت دارند.

● **تعیین منافع ملی در کشورهای دیگر وظیفه اصلی دستگاه سیاست خارجی است**

● **به آلمان‌ها می‌گفتم ما قدرت منطقه‌ای هستیم و نیازی به اثبات خودمان نداریم**

● **به اعتمادسازی نیاز داریم**

● **همه کشورها دنبال نفوذ هستند**

وقتی آلمانی‌ها اشاره می‌کردند که شما می‌خواهید قدرت منطقه‌ای شوید، من به آنها می‌گفتم ما قدرت منطقه‌ای هستیم و نیازی به اثبات خودمان نداریم. جغرافیایی سیاسی، تاریخ و تمدن ما، موقعیت استراتژیک، نیروی جوان، خوداتکایی نظامی و جمعیت ما باعث می‌شود که نیازی به اثبات این قضیه نداشته باشیم و شما اشتباه می‌کنید که ما می‌خواهیم قدرت‌مان را در منطقه اثبات کنیم. برخی از شما خودآگاه یا ناخودآگاه حرف‌های پوچ برخی کشورهای عرب منطقه را بازگو می‌کنید؛ اما اعمال قدرت گاهی با ابزار نرم به‌مراتب ماندگارتر از ابزار سخت است.

● **در فرایند مذاکرات هسته‌ای فرصتی برای ایران ایجاد شد تا نقش بیشتری در منطقه ایفا کند؛ مثلاً در جریان‌ات همکاری بین تأثیرگذارتر حاضر شد؛ اما با خروج آمریکا از برجام، اگرچه اروپایی‌ها در توافق باقی ماندند؛ اما تغییراتی در این نقش ایجاد شد. اینکه چه مقدار از این تغییر دست ما بود، بحث دیگری است. سؤال من مبنی بر تحولاتی است که در تکتک کشورهای اروپایی درباره ایران رخ داده و می‌دهد. ماجرای که با دستگیری آقای اسدالله اسدی در مسیر آلمان به اتریش شروع شد، بعد انتقال او به بلژیک و ماجرای هلند و مشابه آن که در کشورهای متعدد اروپایی رخ داد. گویا این پروژه مشابه جریان میکونسوس بود که به شکل مدرن بازطراحی شد.**

باید دید چه کشورهایی طراحی می‌کنند؟ پاسخ مشخص است، آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای

عرب منطقه. نکته بعدی اینکه در خاورمیانه رقابتی بین قدرت‌ها وجود دارد. متأسفانه در منطقه خاورمیانه صرفاً رقابت حاکم شده است؛ درحالی‌که در مناطق دیگر رقابت و تقابل مهم‌زمان وجود دارد. در منطقه از نظر من به غلط ما را به این نام می‌شناسند و نه به درست، ولی متأسفانه مثلث آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای منطقه تمام تلاش خود را می‌کنند تا دنیا نسبت به ما این‌گونه نگاه می‌کند. مهم است که ما هم به دنیا و کشورهای آن چطور نشان‌ده کنیم؛ به‌طور مثال دیدگاه ما نسبت به کشورهای اروپایی چگونه است. اگر

احیاناً می‌بینیم این موضوع مطرح می‌شود، آیا واقعاً خیال‌پردازی است یا احیاناً واقعهای رخ داده یا عوامل ضدانقلاب مانند منافقین و خارجی‌ها این اقدام را به‌نام ایران انجام داده‌اند. وقتی این روند دچار شیب منفی می‌شود، باید ببینیم که آیا فقط نشسته و ادعاهایی مطرح کرده‌اند یا مستنداتی هم دارند. دشمنان ایران اسلامی به هر اقدامی علیه ایران دست می‌زنند و تلاش می‌کنند ما را مقصر جلوه داده و منزوی کنند، بنابراین باید در این زمینه بسیار هوشیارانه عمل کنیم. اینها واقعیت‌هایی است که در عالم سیاست وجود دارد. ما کشوری هستیم که واقعاً به اعتمادسازی نیاز داریم نه اینکه صرفاً اعتماد کنیم، اعتمادسازی به‌صورت متقابل نیز نیاز به زمان دارد و نباید تردید کنیم. اعتمادسازی هم فقط با بیان و گفتار نیست، بلکه با نشان‌دادن راهکارهایی است که وجود دارد. هر کشوری دنبال نفوذ است. در آلمان که بودم، می‌گفتند شما دنبال نفوذ هستید، می‌گفتم مگر شما دنبال نفوذ هستید؟ هر کشوری سعی می‌کند دوستانی پیدا کند. شما نامش را می‌گذارید نفوذ، ما می‌گوییم دوستان. هر کشوری سعی می‌کند به تعداد دوستانش اضافه کند و براساس منافع ملی سعی می‌کند یار جمع کند. می‌شود اسامی دیگری روی این کار گذاشت. با کدام ابزارها می‌توان چنین کاری انجام داد؟ با ابزار فرهنگی، اقتصادی یا ابزار نظامی؟ ژاپن وقتی در جنگ شکست خورد، گفت که به این جمع‌بندی رسیدیم؛ام که از نظر نظامی نمی‌توانیم نفوذ کنیم، بنابراین همه تلاش‌مان این است که نفوذ اقتصادی پیدا کنیم. کالای ما و شرکت‌های ما، مارک‌های تجاری ما علامت دوستیابی است. حالا اسمش را هر چه می‌خواهید بگذارید؛ اصلاً بگویید نفوذ. اما اگر می‌خواهیم در منطقه حضور داشته باشیم، باید آن کشورها پذیرا باشند و از این قضیه مناهعی داشته باشند و ماندگار و کم‌هزینه باشد. بحث سیاست خارجی این است که بیشتر باید کشورهایی را پیدا کرد که همراه باشند. ما از نظر فرهنگی کشور بسیار مستغنی‌ای هستیم. عملاً از نظر فرهنگی در خاورمیانه و آسیای میانه نفوذ داریم.

● **پاسخ شما به سؤال من درباره دستگیری‌های اخیر برخی ایرانیان و طرح برخی اتهامات این است که باید در اروپا اعتمادسازی کنیم؟** قطعاً باید در اروپا اعتمادسازی کنیم؛ به‌ویژه اینکه متأسفانه در اروپا منافقین فعال هستند. البته آنها هیچ جایگاهی در ایران ندارند و اروپایی‌ها هم کم‌پوییش به این قضیه واقف هستند اما برخی از کشورهای اروپایی از آنها بهره‌برداری می‌کنند. برخی‌ها با احتیاط استفاده می‌کنند و می‌دانند این افسرد هیچ جایگاهی بین ملت ایران ندارند. این موضوع را هم خوششان یا صراحت به من گفته‌اند. بنابراین در سیاست خارجی این اتفاقات رخ می‌دهد و باید آن را مدیریت کرد تا آثار منفی‌اش به حداقل برسد.

● **گویا ۱۸ دی شش دیپلمات اروپایی‌به دفتر معاون سیاسی وزیرخارجه رفته‌اند و اعلام کرده‌اند دیگر جریان موشکی ایران را تحمل نمی‌کنند. فردای این روز هم تحریم بخشی از وزارت اطلاعات مطرح شد. به نظرتان ۱۸ دی و ماجرای تحریم اروپایی‌ها اروپا بعد از برجام یک نقطه عطف نیست که باید جدی‌تر به آن نگاه کنیم؟ این اتفاق، نشانه خطرناکی نیست؟** نشانه‌های بدی هستند. مسئله موشکی حق ماست و باید ابزار دفاعی داشته باشیم. این حرفی است که همه مسئولان می‌گویند و من هم به‌عنوان یک ایرانی و طن‌دوست می‌گویم که ساخت موشک حق ماست. به نظر من باید درباره موضوع موشکی گفت‌وگو کرد که آیا موضوع موشکی ایران مطرح است یا موضوع موشک و تجهیزات نظامی در منطقه، آمریکا و شاید بسیاری از کشورهای تولیدکننده تجهیزات نظامی گاهی تلاش می‌کنند ایجاد اختلاف کنند تا بتوانند تسلیحاتشان را بفروشند. نباید تردید کرد که برخی از کشورهای اروپایی هم اهدافی هستند. وقتی آمریکا، فرانسه و انگلستان چنین قراردادهایی را می‌بندند و آلمان هم سهمیه‌ای در این‌بین داشته پس تقریباً همه دنبال این هستند که بخشی از تولیداتشان را بفروشند. اگر بدانیم چنین فضای هست باید دو کار کرد، یا باید به جای اینکه این بی‌اعتمادی ایجاد شود که هرکدام تشویق شوند به طرف خرید تسلیحات بیشتر بروند، در منطقه اعتمادسازی کرد و هزینه همه منطقه را پایین آورد. با دومین کار این است که به این کشورها بگوییم اگر شما واقعاً دنبال صلح و امنیت هستید، کل منطقه را ارزیابی کنید. اگر می‌خواهید مذاکره کنید با همه این کار را بکنیم، ما هم حاضر به مذاکره هستیم. ما هم حاضر به مذاکره هستیم اما نه فقط با ایران، با همه کشورهای که الان خریدار تجهیزات کلان هستند، مذاکره کنید. چطور آمریکا و روسیه با هم صحبت می‌کنند که مثلاً تسلیحات اتمی‌شان را کنترل کنند، کم کنند یا... در منطقه ما نیز اگر قرار بر امنیت است، نباید منطقه به انبار باروت تبدیل شود. بنابراین با همه صحبت کنید. ما آمادیم صحبت به این شرط هستیم.

● **داده در صفحه ۱۵**

سال شانزدهم • شماره ۳۳۷۱ • روزنامه شرق

روزنه

آیت‌الله موسوی جزایری از امامت جمعه اهواز استعفا داد

● **شرق؛** حواشی سفر لندن بالاخره کار دست امام جمعه اهواز داد. درحالی‌که اعلام شده بود علت سفر آیت‌الله سیدمحمدعلی موسوی‌جزایری به انگلستان مسائل درمانی نبوده است؛ اما او روز گذشته با حضور در دفتر مقام معظم رهبری و ارائه گزارشی از وضعیت جسمانی خود، از سمت «امامت جمعه اهواز» استعفا داد.

سیدمحمدجواد جزایری، فرزند آیت‌الله موسوی‌جزایری، به شفقنا گفته است: «آیت‌الله سیدمحمدعلی موسوی‌جزایری از «امامت جمعه اهواز» استعفا داد». آیت‌الله جزایری بعد از بازگشت از سفر و در «خطبه‌های نماز جمعه ۲۶ بهمن اهواز» هم از «احتمال کناره‌گیری از سمت امامت جمعه به‌دلیل ضعف قوای جسمی» خبر داده بود.

او گفت: «آیت‌الله موسوی‌جزایری در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته اعلام کرد به‌دلیل بیماری دیگر نمی‌تواند امامت جمعه اهواز را عهده‌دار باشد، پس از آن با حضور در دفتر مقام معظم رهبری، گزارشی از وضعیت جسمانی خود ارائه کردند و از سمت خود استعفا دادند».

روز گذشته فرزند آیت‌الله موسوی‌جزایری هم درباره بیماری پدرش گفت: «ایشان از ناحیه پا دچار ضعف و سستی هستند و ادامه مسئولیت امامت جمعه برایشان سخت بود. پزشکان عنوان کردند که پدرم برای بهبود لازم است استراحت کند». درحالی‌که گفته شده بود امام جمعه اهواز برای درمان به انگلستان رفته است، اما آیت‌الله موسوی‌جزایری بعد از بازگشت از سفر گفته بود: «اولا بنده هیچ بیمارستانی رفتم؛ هیچ درمانگاهی نرفتم؛ فقط مدارکی را که از ایران بردیم، نشان دادیم؛ یک نفر بررسی مفصل کرد و نظرات پزشکان ما را تأیید کردند که ضعف و بی‌حسی که در پاهای من پیدا شده، درمان ندارد. منتها توصیه‌هایی کردند. مردم شاید نتوانیم به‌عنوان امام جمعه از عهده مسئولیت برپاییم؛ چون نیم‌ساعت باید خطبه بخوانیم و دیگر توان این کار را نداریم. تا آنجای کار که بتوانیم می‌کشیم، ما باید به تکلیف شرعی عمل کنیم. باید اصول شرعی را رعایت کنیم. امام جمعه در حال خواندن حمد و سوره نباید پاهایش تکان بخورد؛ اگر وقت نکتم، بد می‌شود. فعلاً وضع مزاجی این‌طور است اگر از شما بپوشانیم آخرش چه می‌شود؟ در این سفر اطباء این طرف تأیید کردند نظر پزشکان ما را و علaji ندارد. اما برای نماز مسئله شرعی داریم. بدن امام جمعه باید آرام باشد اگر نتواند محل شبیه است».

خبرگزاری فارس هم به نقل از یک فعال توییتری نوشته بود: «ایشان سال‌های اخیر دچار نوعی بیماری ناشناخته و لاعلاج شده‌اند و پیش از سفر و در تمام این مدت، ما و شاگردان و نزدیکان ایشان در جریان بیماری ایشان بودیم. اما در تمام این مدت، سفرهای ایشان به خارج از کشور ارتباطی با قصد ایشان بشار به معالجه نداشت. درخصوص ضعف و سستی و بی‌حسی هر دو پا، پرونده ایشان به تمام متخصصان داخلی ارائه شده و همگی اتفاق نظر داشتند که غیرقابل درمان است. در آستانه سفر و در حین سفری که به انگلیس و برنام‌هایی که در منچستر و بیرمنگام داشتند، وقتی میزبانان ایشان جسمانی و بی‌حسی پاهای ایشان را متوجه شدند و فهمیدند که همه پزشکان داخلی در ایران آن را غیرقابل درمان می‌دانند، به ایشان پیشنهاد می‌کنند پرونده پزشکی خود را به یک پزشک که اخیراً ادعای درمان چنین بیماری مشابهی را در انگلیس نموده ارائه کنند. لذا مدتی اولیه ایشان به‌صورت قابل الکترونیک و بدون حضور ایشان برای پزشک مذکور ارسال می‌شود و پزشک مذکور می‌گوید حالا که ایشان چند روزی هم اینجاست و بین منچستر و بیرمنگام رفت‌وآمد دارد، حضوری هم بیاید و معاینه شود.

آیت‌الله جزایری گفته بود سفرش به انگلستان برای تبلیغ اسلام به مناسبت ایام فاطمیه و چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در لندن و شهرهای اطراف آن مثل منچستر و بیرمنگام بوده است.

خبرگزاری حوزه هم گزارش داده بود که آیت‌الله موسوی‌جزایری، نماینده ولی‌فقیه در خوزستان، بنا به درخواست و دعوت جمعی از ایرانیان مقیم انگلستان برای تبیین مسائل روز جهان اسلام، به منچستر سفر کرده بود و علت غیبت او در راهپیمایی ۲۲ بهمن اهواز را نیز همین سفر اعلام کرده بود.

هم‌زمان با انتشار شایعه سفر امام‌جمعه اهواز به انگلستان برای درمان، حمید عبیدی‌نژاد، سفیر ایران در انگلیس هم در تویییت نوشته بود: «امام‌جمعه اهواز در سفر به انگلیس به‌دلیل درد پا توسط پزشک معاینه شدند، اما بستری با درمانی صورت نگرفت. آیت‌الله جزایری (امام‌جمعه اهواز) مصادف با ایام فاطمیه و سالگرد انقلاب در سفر به انگلیس با علما و مردم در لندن، منچستر و بیرمنگام ملاقات داشتند. هماهنگی سفر از مرحله درخواست ویزا تا اقامت توسط مؤسسات فرهنگی غیرولتی انجام شد. به‌دلیل درد پا، در سفر توسط پزشک معاینه شدند، اما بستری با درمانی صورت نگرفت».